

باسمه تعالی

عنوان درس:	درس خارج فقه الصلاة	سال تحصیلی: ۱۳۹۹- ۱۴۰۰	تاریخ درس:	۱۳۹۹/۷/۷
عنوان فرعی ۱	فقه الصلاة			
عنوان فرعی ۲	جلسه دهم			
عنوان فرعی ۳	بررسی دلالتی حدیث دوم			
مقرر:	حجت الاسلام والمسلمین اصغر حیدری			

حد تقصیر :

طائفه اولی از روایات

حدیث یازدهم :

شیخ باسناده :

وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ وَعَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ رَبَاطٍ
عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ التَّقْصِيرِ قَالَ فِي بَرِيدٍ قَالَ قُلْتُ:
بَرِيدٌ قَالَ إِنَّهُ إِذَا ذَهَبَ بَرِيدٌ أَوْ رَجَعَ بَرِيدٌ فَقَدْ شَغَلَ يَوْمَهُ!

گفتیم که میتوانیم سند شیخ به علی ابن حسین فضال را تعویض کنیم به حسن بن فضال:

گفتیم که شیخ سندش را به حسن فضال نقل میکند و این سند، سند صحیحی است و مرحوم شیخ سندش را در کتاب فهرست نقل میکند و میفرماید

اخبرنا بكتبه و رواياته عدة من اصحابنا : این روایت هم ظهور دارد که اخبار به جمیع کتب و روایات است، و نکته در این است که جمع مضاف به ضمیر افاده استغراق میکند

فرموده است: اخبرنا بكتبه و رواياته عدة من اصحابنا

همیشه گفته ایم که عدة شیخ فیه ثقات مثل ابن قولویه مثل شیخ مفید و... که این بزرگوران از افاضل علمای ما هستند

عن محمد بن الحسن و ایضا گفتیم که محمد بن الحسن که صدوق از ایشان روایت کند ؛ همان محمد بن الحسن الولید است که از مشایخ است و از ثقات علمای ما محسوب میشود

نکته :در بعضی از نسخ داریم که عن محمد بن الحسن **عن ابیه** این بیان اشتباه است و عبارت درست **و عن ابیه** است ؛ زیرا جناب صدوق دو سند دارد

۱- عن محمد بن الحسن

۲- و عن ابیه (مرحوم پدر که علی ابن حسین بابویه است)

و عن ابیه که یعنی محمد بن حسن الولید است عن سعد ابن عبدالله (که ایشان اشعری است و هم از کبار ثقات است) عن حمیری عن احمد بن محمد (احمد بن محمد بن عیسی او ابن خالد که هر دو ثقه هستند) عن الحسن بن علی بن فضال

که این سند هم همان طور که روشن است سند صحیحی است ؛ و لذا میتوان سند شیخ را به علی بن حسن بن علی بن فضال تعویض کرد؛ به روایت پدر او، یعنی حسن بن علی فضال چرا که شیخ سند صحیح دارد به حسن بن علی فضال به جمیع کتب و روایاتش که از جمله آنها همین روایت خواهد بود

روایت دوازدهم :

خَبَرُ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَنِ التَّقْصِيرِ فَقَالَ بَرِيدٌ ذَاهِبٌ وَ بَرِيدٌ جَائِيٌّ وَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا أَتَى ذُبَابًا قَصَّرَ.

وَ ذُبَابٌ عَلَى بَرِيدٍ وَ إِنَّمَا فَعَلَ ذَلِكَ لِأَنَّهُ إِذَا رَجَعَ كَانَ سَفَرُهُ بَرِيدَيْنِ ثَمَانِيَّةً فَرَسَخٌ^۲

این روایت صریح است که ملاک در تقصیر همان حد مکانی و ثمانیه فراسخ است ،هم ابتداء حضرت فرمود برید ذاهب و برید جائی است و ایضا حضرت استشهاد به سیره رسول الله کردند که حضرت به منطقه ذباب می آمد از مدینه نمازش را همیشه قصر میخواند در حالی که بین این دو شهر ۴ فرسخ مسافت می باشد؛ پس بنابراین رفت و برگشت با هم میشود ۸ فرسخ فلذا نماز در این صورت قصر خواهد بود.

اشکال :اشکال شده است که عبارت و قال ذباب علی برید از خود جناب صدوق است و جزو این روایت محسوب نمیشود

جواب :بر فرضی که حرف صدوق باشد ،دخلی بر اصل مطلب ندارد

^۲ (۳). أي روضات الذباب. و أمّا ذباب بكسر أوله: فجبل بالمدينة.

^۳ من لا يحضره الفقيه ؛ ج ۱ ؛ ص ۴۹

در وسائل و قال به عنوان روایت مجزا ذکر شده است تحت این عبارت :

قَالَ: وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِذَا أَتَى ذُبَابًا قَصَرَ وَ ذُبَابٌ عَلَى بَرِيدٍ وَ إِنَّمَا فَعَلَ ذَلِكَ لِأَنَّهُ إِذَا رَجَعَ كَانَ سَفَرُهُ بَرِيدَيْنِ ثَمَانِيَّةً فَرَأَسَخَ.^٤

ضمنا این ذیل در من لا یحضر هم آمده است؛ و با صرف یک احتمال هم نمیشود ظهور یک روایت را خدشه دار کرد

پس ظاهر از این حدیث این است که هر دو قسمت روایت محسوب میشود
پس از این روایت هم استفاده میشود که ملاک همان حد مکانی است .

سند :

سند، سند صحیحی است بنابر آنچه در مشیخه آمده است ،چون

مرحوم صدوق سند خودش را در مشیخه به جمیل بن دراج چنین روایت میکند
ابی عن سعد ابن عبدالله اشعری عن یعقوب ابن یزید عن محمد بن ابی عمیر عنه
:این سند علاوه بر صحیح بودن ،سند قوی محسوب میشود و دلالت این روایت
هم در حدیث ثمانیه فراسخ یا همان بریدین در وجوب تقصیر تام است

^٤ وسائل الشیعة / ج ٨ / ٤٦١ / ٢ - باب وجوب القصر علی من قصد ثمانیة فراسخ أربعة ذهابا و أربعة إيابا مطلقا لا أقل من ذلك ص : ٤٥٦

روایت سیزدهم :

صدوق روایت میکند : با سند همیشگی

وَفِي الْعِلَلِ وَغُيُونِ الْأَخْبَارِ بِإِسْنَادٍ يَأْتِي عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ عَنِ الرَّضَا ع قَالَ: إِنَّمَا وَجَبَتِ الْجُمُعَةُ عَلَى مَنْ يَكُونُ عَلَى فَرَسَخَيْنِ لَا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ لِأَنَّ مَا تُقَصِّرُ فِيهِ الصَّلَاةُ بَرِيدَانِ ذَاهِبًا أَوْ بَرِيدٌ ذَاهِبًا وَبَرِيدٌ جَائِيًا وَالْبَرِيدُ أَرْبَعَةُ فَرَاسِخٍ فَوَجَبَتِ الْجُمُعَةُ عَلَى مَنْ هُوَ عَلَى نِصْفِ الْبَرِيدِ الَّذِي يَجِبُ فِيهِ التَّقْصِيرُ وَذَلِكَ لِأَنَّهُ يُجِيءُ فَرَسَخَيْنِ وَيَذْهَبُ فَرَسَخَيْنِ وَذَلِكَ أَرْبَعَةُ فَرَاسِخٍ وَهُوَ نِصْفُ طَرِيقِ الْمُسَافِرِ.

گرچه اصل مطلب در مورد نماز جمعه است اما در بیان وجوب نماز جمعه بر کسانی که از نماز جمعه دور هستند به نصف برید (فرسخین) در خلال همین مطلب حضرت حد تقصیر را بیان میکند : مَا تُقَصِّرُ فِيهِ الصَّلَاةُ بَرِيدَانِ ذَاهِبًا أَوْ بَرِيدٌ ذَاهِبًا وَبَرِيدٌ جَائِيًا وَالْبَرِيدُ أَرْبَعَةُ فَرَاسِخٍ

ظهور روایت اگر نگوییم نص روایت میگوید ملاک، حد مکانی، برای وجوب قصر است

سند :

همان عبدالواحد بن عبدوس عن علی ابن محمد ابن قتیبه است که گفتیم که هر دو بزگوار وثاقتشان تام است

ظهور این روایت هم ظهور روشنی است در ملاک بودن حد مکانی

روایت چهاردم :

مرحوم صدوق :عن ابیه عن سعد و عن محمد بن موسی بن متوکل عن سعد آبادی

این دو مقطع تکراری است یعنی به اصطلاح از صدوق عن ابیه عن سعد یک سند است و عن محمد بن موسی بن متوکل عن سعدی آبادی هر دو به احمد بن ابی عبدالله عن محمد بن علی الکوفی عن محمد بن اسلم بر میگردد عن ..محمد بن اسلم...که گوید لان التقصیر فی بریدین و لا یكون التقصیر فی اقل من ذلک

وَرَوَاهُ الصَّدُوقُ فِي الْعِلَلِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ سَعْدٍ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ عَنْ السَّعْدِ آبَادِيٍّ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ الْكُوفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَسْلَمَ نَحْوَهُ وَ زَادَ قَالَ ثُمَّ قَالَ

هَلْ تَدْرِي كَيْفَ صَارَ هَكَذَا قُلْتُ لَا قَالَ لِأَنَّ التَّقْصِيرَ فِي بَرِّ يَدَيْنِ وَلَا يَكُونُ التَّقْصِيرُ فِي أَقَلِّ مِنْ ذَلِكَ^٦

سند:

روایت از لحاظ سندی محمد بن علی الکوفی را دارد که توثیقش ثابت نیست ؛لذا سند تام نیست

دلالت سند:

اما مضمون سند و دلالت سند بر موضوعیت حد مکانی ،و تعیین حد مکانی بسیار روشن است ؛چون روایت میفرماید

لِأَنَّ التَّقْصِيرَ فِي بَرِّ يَدَيْنِ وَلَا يَكُونُ التَّقْصِيرُ فِي أَقَلِّ مِنْ ذَلِكَ

این عبارت لَا يَكُونُ التَّقْصِيرُ فِي أَقَلِّ مِنْ ذَلِكَ ؛ لا اقل میتواند حاکم بر روایت دیگر باشد ،یعنی اگر مسیره یوم یا بیاض یوم گفتیم منظورمان آن بیاض یومی است که لا یكون اقل از بریدن است

به این تعداد از روایات وارده بر موضوعیت حد مکانی اکتفاء میکنیم

^٦ وسائل الشیعة ؛ ج ٨ ؛ ص ٤٦٦

طائفه دوم از روایات :

روایت اول :

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ دَرَّاجٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: **التَّقْصِيرُ فِي بَرِيدٍ وَ الْبَرِيدُ أَرْبَعَةُ فَرَاسِخٍ** ^٧.

روایاتی است که حد تقصیر باز هم حد مکانی است ؛ اما برید تنها به عنوان حد تقصیر در این دسته از روایات آمده است .

البته در روایات سابق هم برید تنها بود لکن ؛ منظور از برید ؛ برید جائی و برید ذاهب است به تفسیر روایات سابق ، که بیان شد منظور از برید همان محل و فاصله اقامت تا مقصد است ؛ که رفت و برگشت آن، مسیر معادل ۸ فرسخ است
مثل روایت معاویه بن وهب و غیر ذلک

خلاصه آن دسته از روایات ، تفسیر کننده این دسته از روایات خواهد بود
نکته : روایاتی بود که سائل میگفت برید تنها ملاک است ؟ حضرت میفرماید برید جائی و ذاهب ملاک است که خود این روایت صریح در تفسیر محسوب میشود

صحيحه محمد بن مسلم :

١١١٦٥-٩- وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ فَضَّالٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ الْحَسَنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَسَنِ بْنِ رِبَاطٍ عَنِ الْعَلَاءِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ التَّقْصِيرِ قَالَ فِي بَرِيدٍ قَالَ قُلْتُ: بَرِيدٌ قَالَ إِنَّهُ إِذَا ذَهَبَ بَرِيدٌ أَوْ رَجَعَ بَرِيدٌ أَفْقَدُ شَغَلَ يَوْمَهُ. ١

این روایت صریح در تفسیر برید به برید ذاهب و جائی است و موید روایات بریدین خواهد بود

سند :

هم صحیح است و لا ریب فيه

روایت دوم :

٧-٧- سَعْدُ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ عَنِ فَضَالَةَ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي أُسَامَةَ زَيْدٍ الشَّحَّامِ قَالَ سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع يَقُولُ يُقْصَرُ الرَّجُلُ الصَّلَاةَ فِي مَسِيرَةٍ اثْنَيْ عَشَرَ مِيلًا. ٢

^١ وسائل الشيعة / ج ٨ / ٤٥٩ / ٢ - باب وجوب القصر على من قصد ثمانية فراسخ أربعة ذهابا و أربعة إيابا مطلقا لا أقل من ذلك ص : ٤٥٦

^٢ تهذيب الأحكام (تحقيق خراسان) / ج ٣ / ٢٠٨ / ٢٣ - باب الصلاة في السفر ص : ٢٠٧

اثنى عشر مِيلًا: این عبارت، عبارۀ دیگری همان میل است پس این روایت هم دال
است بر اینکه حد تقصیر برید است لکن روایات برید جائیا و برید ذاهبا مفسر این
روایت خواهد بد

حدیث سوم همان کتاب

روایت سوم:

وَبِإِسْنَادِهِ عَنْ سَعْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ بَشِيرٍ عَنْ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ
عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ النُّعْمَانِ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْفَضْلِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَنِ التَّقْصِيرِ فَقَالَ فِي
أَرْبَعَةِ فَرَاسِخٍ

شیخ باسناده عن سعد... عن حماد بن عثمان عن محمد بن نعمان عن اسماعيل بن
فضل (هاشمی است نه فضیل)

سند:

در بعضی از نسخ اسماعیل بن فضیل داریم که این تصحیف به حساب میاید که در
نظر ما همین اسماعیل به فضل درست است که همان اسماعیل بن فضل هاشمی

است و ایشان ثقة است و باقی رجال سند هم از همه از ثقات هستند ولذا شکی
در صحت نیست

فقط نکته ای در این مقام است و آن اینکه وثاقت محمد بن نعمان به دلیل
روایت ابن ابی عمیر و صفوان است یعنی وثاقت ایشان از توصیف عام این باب
ثابت میشود

دلالت روایت :

سالت عن التقصير فقال في اربعة قراسخ

روایت چهارم :

وَعَنْهُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ حُكَيْمٍ عَنْ أَبِي مَالِكٍ الْحَضْرَمِيِّ عَنْ أَبِي الْجَارُودِ
قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ ع فِي كَيْفِ التَّقْصِيرِ فَقَالَ فِي بَرِيدٍ^{١١}

سند با ابی الجارود ضعیف است ولی چون موید بر روایت سابق است میشود در
این مقام آورد

^{١١} وسائل الشیعة / ج ٨ / ٤٥٨ / ٢ - باب وجوب القصر علی من قصد ثمانية فراسخ أربعة ذهابا و أربعة إيابا مطلقا لا أقل من ذلك ص : ٤٥٦

روایت پنجم:

- **فَأَمَّا مَا رَوَاهُ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: التَّقْصِيرُ فِي بَرِّ يَدٍ وَالْبَرِّ يَدُ أَرْبَعَةٌ فَرَأَسُخٌ.**

سند همگی اقویاء هستند ،

ابراهیم ابن هاشم ثقة است و اگر چه از روایات ایشان به حسنه تعبیر میکنند ولی ایشان ثقة است و یکفی در وثاقتش این که علی ابن ابراهیم در تفسیر اکثر روایات تفسیر را از خود پدرش نقل میکند و در مقدمه تفسیر میگوید من این روایات را از ثقات نقل میکنم ؛ لذا در روایات ایشان هیچ شکی نیست به اضافه این که ایشان از بزرگان واجلاء قمیون است این مساله ؛ خود قرینه دیگری است بر وثاقت ایشان ؛ نمیشود کسی در قم که مرکز روایت بوده است و از طرفی محدثین قمی هم که به هیچ وجه نقل از ضعیف را نمیپذیرفتند از ایشان نقل روایت کنند و تعریضی به ضعیف بودن ایشان نزنند چرا که در مورد احمد بن محمد بن خالد داریم که ایشان را از قم اخراج کردن به دلیل نقل از ضعیف

آنوقت علی ابن ابراهیم در مقدمه کتابش پدرش را توثیق کرده است پس ما پذیرفتیم که وثاقت ابراهیم ابن هاشم به توثیق علی ابن ابراهیم تام است

سوال: در این کتاب تشکیک شده است ؟

قدر متیقن از این کتاب این است که این مقدمه را دارد و قدر متیقن از شهادت بر وثاقت پدر ایشان است (ابراهیم بن هاشم) به اضافه این که از اجلاء روات قمی است؛ نمیشود کسی در قم که مرکز روایت و حدیث بوده است نقل از ضعاف کنند و محدثین قمی به او اشکالی نکنند در حالی که احمد بن خالد را از قم اخراج کردند پس چطور میشود علی ابن ابراهیم ثقه نباشد و در این شهر نقل روایت کند ؟

جواب: قدر متیقن این مقدمه برای این کتاب است و قدر متیقنی از ثقاتی که در مقدمه به آن اشاره است خود پدر علی ابن ابراهیم است که همان ابراهیم بن هاشم میباشد

در مقدمه کتاب لاشک و لذا اگر در کتاب شک کرده باشند در قسمت دوم است و ضرر زننده به کتاب نیست

سوال محمد بن علی ابن کوفی اگر در سند کامل الزیارات باشد میشود آیا اثبات وثاقت ایشان را میکند؟ ما قبلا گفتیم که اسناد کامل الزیارات اگر سند مباشر باشد درست است ولی بعدا از این نظر برگشتیم

لکن ما ایشان را ضعیف میدانیم وقائل نیستیم که در اسناد کامل الزیارات باشد